

وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع

آیت‌الله محمدعلی تسخیری^۱

چکیده:

اسلام دینی است که بر توسعه همه‌جانبه در تمامی عرصه‌ها تأکید کرده است و روند این توسعه، اعم از اجتماعی و سیاسی، روندی انسانی است که به مرزهای جنسی، جغرافیایی و مادی محدود نمی‌شود و زن که نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد به عنوان عنصر اساسی و ارکان اصلی این روند به شمار می‌رود و بدون حضور زن، این روند ناقص و غیرمؤثر خواهد بود.

در این نوشتار، نگارنده برای تعیین وضعیت زن مسلمان از دیدگاه اسلام، نقش وی را در روند توسعه اجتماعی و ویژگی‌های آن در عرصه‌های مختلف بررسی نموده و ضمن تبیین چالش‌های فرهنگی، خانوادگی و بین‌المللی فراروی او، به بیان نقش کوشش‌های بین‌المللی در این عرصه پرداخته و با تأکید بر این مطلب که زن مسلمان امروز در عمل فاقد نقش شایسته در روند توسعه اجتماعی است، پایه‌های یک برنامه همه‌جانبه توسعه‌ای را در این مورد برشمرده است.

کلید واژه‌ها: اسلام، زن، اجتماع، توسعه اجتماعی، هدف انسانی، پویایی.

مقدمه

خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان به آنها عطا خواهیم کرد.» (نحل: ۹۷).

در یک تعریف عمومی از «توسعه اجتماعی» می‌توان گفت مراد از آن: «حرکت آگاهانه و سازمان‌یافته اجتماعی و هماهنگ با ابعاد گوناگون مادی و معنوی به منظور رسیدن به وضع انسانی بهتر» است.

در این تعریف چند عنصر وجود دارد:

- ۱- هدف انسانی متمایز از اهداف غریزی و کور حیوانی، حرکت یاد شده زمانی این هدف‌مندی را خواهد داشت که با جسم اندازه‌های فطرت انسانی و نشانه‌های آن، هم‌سویی و هم‌گونی داشته باشد.
- ۲- پویایی ارادی در جهت این هدف انسانی که به دلیل درهم‌آمیزی آگاهی، اراده و خردورزی در این حرکت، با حرکت حیوانی تفاوت بارزی دارد.

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۳- هماهنگی، سازمان‌دهی و تناسب تمامی جنبه‌های مادی و معنوی در چنین حرکتی. این هماهنگی و تعادل شرط اساسی توسعه است. توسعه‌ای که فاقد این عنصر باشد، تورم و رشد غیرطبیعی در یک یا چند جنبه و مردگی و کم‌رنگی جنبه‌های دیگر را در پی دارد؛ امری که کل روند حرکت اجتماعی را دچار اختلال، افراط و تفریط و چند پارگی می‌سازد.

اجتماعی بودن حرکت، به این معنا است که تمامی اجزای سازنده جامعه باید در این حرکت مشارکت و رشد خود را داشته باشند و نیز به این معنا است که پیامدهای حاصل از این حرکت باید بر عناصر و عوامل اجتماعی انعکاس یابد. و اگر دید خود را به وسعت جهان اسلام گسترش دهیم، این ابعاد به همان اندازه و به میزان بزرگی توان و نیروهای طبیعی، انسانی، اقتصادی و... آن، گسترش و بزرگی می‌یابد.

پس از این مقدمه، کلام را در امور زیر پی می‌گیریم:

الف - اسلام و توسعه:

ب - نقش زن در روند توسعه اجتماعی؛

ج - اشاره‌ای به نشست‌ها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد در این باره و مواضع ما نسبت به آنها؛

د - نقش سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در این مورد.

توسعه از دیدگاه اسلام

اسلام بر توسعه همه‌جانبه و در تمامی عرصه‌ها تأکید کرده است تا امت اسلامی، امتی «وسط»، «شاهد» و «حاضر» از نظر تمدنی و شایسته عنوان «خیر امه اخرجت للناس» باشد؛ شایان ذکر است که این وظیفه و مأموریت تمدنی، مستلزم بذل بیشترین تلاش‌ها برای تحقق آن و به مثابه واجب کفایی با مسئولیت تمامی امت است و انجام آن از سوی همگان به عنوان یک حقیقت شرعی، بسیار مهم و جدی است. توسعه در بخش تولید، تقریباً مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی بوده و هدفی است که باید با استفاده از ابزارها و وسایلی که اسلام آنها را پذیرفته است، تحقق یابد.

با توجه به برخورد اسلام با این امر و دستورهای رسمی که در این باره صادر کرده، می‌توان ضرورت توسعه در تولید را نتیجه گرفت؛ زیباترین فرمان اسلامی در این باره، نامه مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) به محمدبن ابوبکر است، که در نهج البلاغه و «امالی» شیخ طوسی آمده است:

«ای بندگان خدا! بدانید که پرهیزکاران بهره دنیا و سود آخرت را بردند، چه با اهل دنیا در خوش‌ترین جاهایی که سکونت داشتند، مشارکت کردند و بهترین خوراکیهایی را که ممکن بود خورده شود، خوردند؛ از آن‌چه مردم خوش‌گذران از دنیا برخوردار شدند آنها هم برخوردار گشتند و...» (نهج البلاغه، ص ۲۸۳ و شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۰).

این هدف هم‌چنان که در قرآن مجید نیز آمده است، دارای چارچوبی دینی است: «بَا أُتْبَهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد در مگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد. (مانند: ۸۷).

ابزارهای اسلام برای توسعه تولید

الف - ابزارهای فکری

اسلام در مورد توسعه، سفارش زیادی کرده و کرامت و ارجمندی انسان را بدان پیوند داده و کار و کوشش را عبادت و کارگر و زحمت کش را که برای روزی خود کار می‌کند، برتر از عابد دانسته است. پیامبر خدا ﷺ بر دست کارگر زحمت کش بوسه زده و می‌فرماید: «به دنبال روزی حلال رفتن، بر هر زن و مرد مسلمان، واجب است.» (اسدالغایبه، ج ۲، ص ۲۶۹ و مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۹)

اسلام عدم بهره‌برداری از برخی ثروت‌ها و منابع طبیعی را نمی‌پذیرد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كُنَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ خداوند دربارۀ «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حامی» حکمی نکرده است، ولی کافران، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترین آنان بی‌خردند» (مانند ۱۰۳).

و نیز می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي سَنَاكِبِهَا وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ انْتَشِرُوا؛ اوست که زمین را رام شما گردانید، پس بر روی آن سیر کنید و از رزق خدا بخورید و چون از قبر بیرون آید به سوی او می‌روید» (منک، ۱۵).

اسلام، هزینه‌های تولیدی را بر هزینه‌های مصرفی، ترجیح داده است؛ در این مورد، روایاتی وارد شده که از فروش زمین و خانه و صرف پول آن در خرید کالای مصرفی، نهی کرده است. (حر عاملی، ج ۱۲، ص ۴۴).

ب - ابزارهای تشریحی

در ذیل به برخی احکام تشریحی اسلام در این مورد اشاره می‌شود:

- ۱- در صورتی که زمین بدون استفاده بماند و آسیب ببیند، مصادره می‌گردد.
- ۲- ممانعت اسلام از «عدم بهره‌برداری بی‌دلیل» از مراتع و انحصاری کردن آن.
- ۳- کسانی که کار اجباری یک منبع طبیعی را آغاز می‌کنند نباید بهره برداری از آن را متوقف کنند و اگر نه حق بهره برداری آنها، باز ستانده می‌شود.
- ۴- نه ولی امر (حاکم) اجازه داده نمی‌شود بیش از توان بهره‌برداری «منبع طبیعی» در تیول کسی قرار دهد. (تذکره الفقها، ج ۲، ص ۴۰۴).
- ۵- کسب درآمد بدون زحمت و کار از جمله اجاره کردن [خانه، زمین و...] به مبلغی و اجاره داده همان (ملک) به مبلغی بیشتر، حرام شده است. (نجفی، ج ۲۷، ص ۲۲۶).

۱- «بحیره» شتری را گویند که بچه پنجم خود را می‌زاید و این پنجمین نر بود؛ به علامت، گوشش را می‌شکافتند و آزادش می‌کردند تا هر جای که خواهد برود و بچرد. «سائبه» ماده شتری بود که برای بازگشتن مسافر یا شمای بیمار نذر می‌کردند و چون نذر برآورده می‌شد ماده شتر را آزاد می‌کردند تا به هر جای که خواهد برود و بچرخد. «وصیله» نیز ماده شتری بود که پس از زاییدن دو بچه ماده، گوشش را می‌بریدند و آزادش می‌کردند. «حامی» شتر نری بود که چند بار از او برای آبستن کردن ماده شتران سود برده بودند و این شتر را نیز از ساز کشیدن و سواری دادن معاف می‌کردند؛ (م) به نقل از قرآن مجید با ترجمه دکتر عبدالمحمد آیتی.

ع. بهره ربایی حرام گردیده و این خود متضمن دو دستوراد برای تولید است:

دستوراد اول: پایان بخشیدن به رقابت تلخ میان بخش بازرگانی و صنعت، زیرا رباخواران (سرمایه‌داران) معمولاً مترصد نیازمندی سرمایه‌گذاران به پول برای بالا بردن نرخ بهره هستند و برعکس، سرمایه‌گذاران نیز مترصد کاهش نرخ بهره برای تقاضای سرمایه (پول) بیشتری از سرمایه‌داران هستند؛ ولی هنگامی که ربا حذف شود سرمایه‌داران خود به سرمایه‌گذاران (در بخش صنعت) و مشارکت در سرمایه‌گذاری بر اساس سود حاصله، تبدیل می‌شوند.

دستوراد دوم: سرمایه‌های آزاد شده [از گردونه ربا] برخلاف زمانی که نظام بهره ربایی حاکم باشد در پروژه‌های بزرگ و بلند مدت، به کار گرفته خواهد شد، زیرا صاحب سرمایه ترجیح می‌دهد به جای سرمایه‌گذاری و در واقع وام‌دهی بلندمدت، اموال خود را به ربا بگذارد و سود تضمین شده‌ای را برای خود تأمین کند. وام‌گیرندگان نیز ترجیح می‌دهند پروژه‌های کوتاه مدتی را داشته باشند تا بتوانند هر چه زودتر، وام دریافتی خود [و بهره آن] را، بازپس دهند. از سوی دیگر، آنها تنها به اجرای طرح‌هایی خواهند پرداخت که نسبت به سودآوری آن، مطمئن شده باشند و این خود مانی بر سر راه توسعه و باعث ایجاد بحران‌ها و عدم ثبات در زندگی اقتصادی است. حال آن که به دنبال تبدیل رباخوار به تاجر و سرمایه‌گذار، او نفع خود را در اجرای طرح‌های اقتصادی می‌بیند هر چند سود کمتری نصیبش سازد، هم‌چنان که به نفع خود می‌بیند که سودهای به دست آمده را نیز در پروژه‌های تجاری به کار گیرد که خود باعث رونق اقتصادی می‌گردد.

۷- اسلام قمار و سحر و جادو را تحریم کرده است.

۸- اسلام از طریق وضع عوارض مشخصی، مانع از انباشت پول شده است. کسانی که پول، طلا یا نقره - که در آن زمان، دولت اسلامی بر اساس آن فعالیت اقتصادی می‌کرد - انباشت می‌کنند باید هر ساله مالیاتی (زکات) به میزان ۲/۵٪ از اموال خود به بیت المال واریز کنند و این کار آن قدر تکرار می‌شود که تنها مبلغ بیست دینار (طلا) باقی بماند و به این ترتیب تمامی اموال به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوق داده می‌شود؛ اسلام با این کار (تحریم اندوختن ثروت) موفق به حل مشکل ناشی از کاهش جریان پول در نظام سرمایه‌داری گردید.

در توضیح مطلب باید گفت: پول یا نقدینگی، ابزاری برای داد و ستد بوده و در پی به وجود آمدن مشکلات ناشی از معاملات پایاپای، یعنی مبادله مستقیم کالاها و تولیدات، مطرح گردید. در معاملات پایاپای، برای مثال، کسی پشم می‌داد و گندم می‌گرفت؛ این روند مشکلاتی داشت، از جمله این که کالای مورد درخواست یکی باید نزد کسی می‌بود که متقاضی کالای او بود... مشکل دیگر تفاوت قیمت دو کالای مورد معامله و نیز مسئله ارزیابی این اشیا یا کالاها بود. برای برطرف ساختن این مشکلات، پول به عنوان معیاری برای ارزش‌گذاری و ابزار داد و ستد، مطرح گردید، ولی بعدها این وسیله از چارچوب هدف اصلی خود خارج شد و برای اندوختن، به کار گرفته شد. با وجود پول، عمل تعویض گندم با پشم، تبدیل به دو عمل مبادله‌ای گردید و این فرصت را برای صاحب پشم بدید آورد که خرید گندم را به تأخیر اندازد و پول دریافتی را پس‌انداز کند. سرمایه‌داری نیز با مطرح کردن سود (یا بهره)، اندوختن پول را تشویق کرد و در نتیجه، تعادل تقاضا و عرضه کلی کالای تولیدی و مصرفی، بر هم خورد، حال آن که در معاملات پایاپای (کالا به کالا)، این تعادل وجود داشت و تولیدکننده تنها زمانی تولید می‌کرد که به مصرف آن کالا یا تبدیل آن به کالای مصرفی دیگری نیاز داشت.

سرمایه‌داری با این پیش فرض که فروشنده کالا رغبتی به خود پول ندارد بلکه در پی فروش کالای خود برای دستیابی به کالایی است که نیاز او را بر آورده سازد - که در این صورت عرضه و تقاضا، متعادل می‌گردد - وارد فعالیت‌های اقتصادی شد، ولی این پیش فرض مربوط به دوره معاملات پایایی (و نه دوران حضور پول) است. از این جاست که تفاوت اسلام و سرمایه‌داری روشن می‌گردد.

اسلام با در نظر گرفتن مالیات بر انباشت پول، با این انباشت مبارزه می‌کند، ولی سرمایه‌داری با در نظر گرفتن بهره، آن را تشویق هم می‌کند. اسلام ضمن چیرگی بر مهم‌ترین مشکل مطرح شده، می‌داند که جامعه اسلامی برای توسعه تولید، نیازمند انباشت پول است و با گردآوری سرمایه‌های بزرگ افراد - هم‌چون جوامع سرمایه‌داری - طرح‌های بزرگ اقتصادی را به اجرا در می‌آورد. علاوه بر آن، جامعه اسلامی می‌تواند از عرصه‌های مالکیت عمومی و دولتی نیز بهره‌برداری نماید.

۹- اعمال لغو و لهو و بیهوده را به دلیل ضربه زدن به شخصیت جدی انسان‌ها و کاهلی در کار، تحریم می‌کند.

۱۰- در ممانعت از انباشت ثروت می‌کوشد؛ «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ؛ تا (سرمایه) میان توانگران دست به دست نشود» (حشر: ۷).

این منع نیز هر چند به طور مستقیم در پیوند با توزیع ثروت است، ارتباط غیر مستقیم نیز با تولید دارد، زیرا وقتی ثروت در دست برخی انباشته شود، فقر و تنگ‌دستی عمومیت می‌یابد و توده مردم از مصرف نیازهای خود باز می‌مانند و در نتیجه، بازار دچار رکود می‌گردد و تولید کاهش می‌یابد.

۱۱- کاستن از بازی‌های تجاری (حرعاملی، پیشین، ص ۳۲۷).

۱۲- اعطای مالکیت اموال افراد پس از فوت‌شان به نزدیکان آنها، که در واقع جنبه مثبت ارث و احکام مربوط به آن بوده و انگیزه‌ای برای تشویق انسان به کار و تلاش و حتی عاملی اساسی در فعالیت افراد در اواخر عمر به شمار می‌رود.

۱۳- مقرر نمودن تأمین اجتماعی؛ موضوعی که به انسان انگیزه و احساس روانی مثبتی در ورود به عرصه‌های مختلف تولید و خلاقیت می‌بخشد.

۱۴- اسلام تأمین اقتصادی افراد دارای توانایی کار را حرام ساخته و آنان را از تکدی‌گری نیز منع کرده است. (پیشین، ج ۶، ص ۱۵۹).

۱۵- اسراف و تبذیر را حرام دانسته و این خود مصرف را کنترل و اموال را به سمت تولید، سوق می‌دهد.

۱۶- آموزش تمامی فنون و صنایع مورد نیاز زندگی را برای مسلمانان واجب کفایی دانسته است.

۱۷- تحصیل خبرگی و تخصص هر چه بیشتر در مسائل مختلف را بر مسلمانان واجب گردانده است؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، که حکمی کلی شامل تمامی آن چیزهایی است که است را قادر به رهبری جهان می‌سازد.

۱۸- به دولت امکان راهبری و اشراف بر تمامی بخش‌های تولید را داده است؛ دولت می‌تواند با امکانات و مالکیت‌های خود، الگویی برای عرصه‌های دیگر [اقتصاد] ارائه دهد. (پیشین، ص ۳۷).

۱۹- به دولت قدرت و امکان گردآوری شمار بزرگی از نیروی کار انسانی مازاد بر نیاز بخش خصوصی را داده و امکان شرکت همه نیروها در حرکت تولید را فراهم نموده است. (نجفی، پیشین، ص ۲۰۴).

۲۰. دولت حق دارد بر تولید نظارت داشته و به منظور پیش‌گیری از هرج و مرج در این عرصه، برنامه‌ریزی متمرکز آن را در اختیار داشته باشد. (کلینی، ج ۱، ص ۴۰۵).

نقش زن در روند توسعه اجتماعی:

گاه به زن به عنوان انسانی فعال در عرصه توسعه و گاه نیز به او به عنوان مادر، دختر، خواهر و همسر و در واقع موجودی با خصوصیات ویژه‌ای نگریسته می‌شود که او را به دلیل داشتن نیروهای عاطفی و توان وجودی مؤثر و وظایف اجتماعی منحصر به فرد، از مرد متمایز می‌سازد.

وقتی به او به عنوان انسانی فعال در عرصه توسعه بنگریم و به این حقایق اذعان کنیم که:

۱- «انسان محور هر گونه توسعه است».

۲- «توسعه مستمر، توسعه‌ای است که هماهنگی متعادلی میان مجموعه عناصر توسعه و ساختارهای فرهنگ معنوی فراهم آورنده اسباب آن ایجاد کند».

۳- «فطرت انسانی مهم‌ترین و عمیق‌ترین ساختار در وجود انسان است و بدون آن، انسان هویت خود را از دست می‌دهد و تبدیل به سیستمی می‌شود که نمی‌توان از حقوق، رشد اجتماعی، حرکت عادلانه، اخلاقیات و حتی حضور تمدنی او سخن به میان آورد».

۴- «دین با ریشه داشتن در سرچشمه فطرت، کامل‌ترین دستوری است که آفریدگار انسان برای تحقق تکامل هماهنگ و متناسب مادی و معنوی وی در نظر گرفته و می‌تواند این روند ثبات هویتی و شخصیتی و نیز آرامش و اطمینان قلبی و امید سرشار به آینده را به او ببخشد و دشواری‌ها و تضادهای بزرگ اجتماعی از جمله تضاد دائمی میان (خودخواهی و خودپرستی) و (کار مفید برای جامعه و فراموش نمودن خویشتن در این راه) و نیز تناقض موجود میان گرایش‌های الحادی و گرایش‌های مؤمنانه را حل کند».

وقتی به این حقایق توجه کنیم، درک خواهیم کرد که زن، محور توسعه و از ارکان اساسی آن است و هر روند توسعه‌ای تنها هنگامی می‌تواند موفق باشد که حس انسانی و فطری در وجود زن را تکامل بخشد و موقعیت انسانی و طبیعی او را به وی عطا کند و هرگونه عنصر ایجادکننده تبعیض انسانی میان زن و مرد را بر طرف سازد و در این عرصه نقش انسانی برابری به وی داده و از این نیروی سازنده انسانی به بهترین روش به سود کل جامعه بهره‌برداری نماید.

ناگفته نماند که وقتی ثبات شخصیتی زن و اطمینان قلبی او و امید به آینده در وجود وی ریشه‌دار شود، انرژی و توان بزرگی به کل حرکت اجتماعی می‌بخشد و عناصر تشکیل‌دهنده روند تکاملی آن را فراهم می‌نماید.

زن و نقش متناسب با ویژگی‌های وی

ویژگی‌های زن که او را از مرد متمایز می‌سازد، نه تنها چیزی از ارزش‌های انسانی وی نمی‌کاهد بلکه بر این ارزش‌ها نیز افزوده و تأثیر نهادی خود را بر جای می‌گذارد؛ به این معنا که خداوند در روند توسعه اجتماعی و حتی توسعه و تکامل فردی انسان‌ها نیز تقسیم کار طبیعی را نسبت به زن و مرد در نظر گرفته است.

زن به عنوان همسر و مادر بدون تردید دارای نقش‌های متفاوتی نسبت به مرد به عنوان همسر و پدر است، ولی این دو نقش در عین حال، کاملاً مکمل یک‌دیگرند.

اینک می‌توان نتیجه گرفت که زن به این اعتبار، دارای تأثیر فراوانی بر روند توسعه نیز هست و به رغم تعدد علل و عوامل توسعه (علل فاعلی، علل غایی، علل صوری و علل مادی)، بیشترین تأثیر را در این میان بر جای خواهد گذاشت، زیرا زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف به خوبی ایفای وظیفه نماید؛ به عنوان مثال، به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی

اگر زن در این امر موفق باشد می‌تواند شالودهٔ جامعهٔ انسانی سالم، دارای اعتماد به نفس، امیدوار به آینده و مصمم را بنا نهد. در غیر این صورت، جامعه به لحاظ عاطفی ناپایدار و به لحاظ معنوی متزلزل خواهد بود و زمینه گسترش تبه‌کاری و رخوت و کاهلی در آن فراهم می‌شود و به تدریج ویژگی‌های خلاق خود را از دست می‌دهد. یک همسر خوب و یک مادر خوب، قوام زندگی خانوادگی خوب را تشکیل می‌دهد و این به نوبه خود قوام و دوام جامعه خوب را (آن‌چنان که متون اسلامی نیز بر آن تأکید دارند) تضمین می‌کند.

۲- فراهم آوردن فضای مناسب برای تربیت نسل فعال و کارآمد

پیش از این، گفته شد که انسان خوب، محور توسعه است؛ چنین انسانی نیازمند روند تربیتی - پرورشی مداومی است که نیروهای سازنده و توان درونی او را آشکار نماید؛ این مهم خود به خود صورت نمی‌گیرد بلکه نیازمند روند تربیتی و فضای پرورشی مناسبی است.

تردیدی نیست که زن، مهم‌ترین تأثیر را در پرورش عناصر انسانی دارد و آن‌چنان که می‌گویند، در پشت هر مرد بزرگی، زن بزرگی قرار دارد و چه بسیارند زنان بزرگی که در تاریخ پر فراز و نشیب ما حضور داشته‌اند.

۳- فراهم آوردن فضای شورانگیز عاطفی با استفاده از استعدادهای طبیعی زن در برآوردن این نیاز ضروری انسان از یک سو و ایجاد حالت‌های عاطفی مورد نیاز برای گذر از دشواری‌ها و موانع و ایجاد توسعهٔ اجتماعی پایدار از سوی دیگر

جامعه‌ای که فاقد چنین محیط یا فضای عاطفی و گرم باشد، جامعه خاموش و محیط مرده‌ای است که به رغم پیشرفت احتمالی در برخی عرصه‌های مادی، فاقد جلای انسانی مطلوب و در نتیجه ناتوان از ایجاد توسعهٔ متعادل خواهد بود.

به همین دلیل، روشن است که زن در فراهم آوردن محیط پاک خانوادگی، نقش به‌سزایی دارد و خانواده و سازمان آن به همان مفهوم سنتی که نزد همه جوامع و ادیان، شناخته شده است، سنگ بنای روند توسعه به شمار می‌رود.

هم‌چنین روشن است که ضربه زدن به نقش زن در ساختار خانوادگی پیش‌گفته و هرگونه کم‌توجهی و کاستن از اهمیت حلقهٔ مقدس خانوادگی یا کوشش در جهت طرح مفاهیم جدید و مصداق‌های به اصطلاح امروزی برای آن و تضعیف پیوندهای خانوادگی یا ایجاد جای‌گزین‌های ادعایی و ... پیامدهای منفی فاجعه‌آمیزی نسبت به آیندهٔ تمامی بشریت در پی داشته و پویایی مطلوب را از آن سلب می‌کند و حتی

می‌توان گفت توطئه‌ای آشکار علیه تمامی بشریت - هر چند با پوشش خدمت بین‌المللی به توسعه - به‌شمار می‌رود.

در این جا باید توجه نمود که اسلام، به میزان بسیار بالایی زن را در روند توسعه مشارکت داده است.

زن مسلمان و چالش‌های پیش‌رو در سطح جهانی

امروزه در جهت حقوق و آزادی زن شاهد حرکتی ناآرام هستیم که در پی آن نشست‌ها و همایش‌های همه‌جانبه در جاهای مختلف برگزار می‌شود.

امروزه کشورها با مؤسسات بی‌شمار و سازمان‌های دولتی - حتی خصوصی یا طرح‌های تجاری و تبلیغاتی - در اندیشه ارزیابی وضعیت خود در قرن بیستم بوده تا به قرن پیش‌رو رهسپار شوند. شاید این حرکت رو به رشد از حالت صده‌گرایی - و بررسی‌های پیرامون یک قرن - خارج شده و جای خود را به هزاره‌گرایی داده باشد. ما ناخواسته وارد هزاره سوم می‌شویم و کشورها باید سرنوشت خود را در این هزاره ارزیابی کنند. بدون شک بر همه انسان‌ها واجب است که سرنوشت خود را در هزاره سوم بشناسند. جای تأسف است که انسان در سطحی نیست که بتواند یک هزاره را ارزیابی کند و هنوز از طرف او هیچ‌گونه پژوهشی که در آن از ویژگی‌ها و رخداد‌های هزاره دوم سخن گفته شده باشد صورت نگرفته است تا بتواند به رقابت‌های هزاره سوم بپردازد. گویی سازمان ملل تا به حال به این امر نپردیده و به صورت سطحی به تحولات و گوناگونی آنها - در انقلاب‌های مفهومی و اعتقادی - نگریسته است و خود را ناتوان از انجام این کار می‌بیند.

حتی رشد جمعیت انسان‌ها در مدت یازده سال از پنج میلیارد به شش میلیارد افزایش یافت. اعداد دیگر نیز در حد متعارف خود برای محاسبه سطح تغییرات مالی کفایت نکرد؛ برای نمونه، اعداد و ارقام، مبادله واحدهای سنگین پول و ضریب‌های آن در سطح ۱۵۰۰ میلیارد دلار در روز را نشان می‌دهد. این قصبه جریان‌های اقتصادی جهان را دستخوش و بازیچه قرار داده و زیاده‌خواه کرده است. حتی اگر بخواهند با استفاده از تکنیک پیشرفته کامپیوتر که حرکت هواپیماها و موشک‌ها را تنظیم کرده و جنبش‌های صنعتی و بازرگانی را محاسبه می‌کند، این میزان هزینه را محاسبه کنند باز هم می‌شود آن را بازیچه قرار داد، و از این جاست که جهان توان ارزیابی هزاره دوم را ندارد و اضافه بر آن نمی‌تواند برای هزاره سوم برنامه ریزی کند، از این رو نیاز است قدم‌های پرتوان را با هوشیاری اندیشمندان همراه کرد تا بتوان وارد هزاره سوم شد.

دیدگاه قرآن کریم

ناتوانی انسان در برابر قدرت پروردگار خود حقیقتی است که هر روز بیش از پیش آشکار می‌شود. حتی هزاره‌ها نیز در برابر خداوند کوچک بوده و مانند روزها شمارش می‌شود؛ «هر روز نزد خدای تو مانند هزاران سال در حساب تو است» (حج: ۲۲)؛ «در روزی که شمار آن پنجاه هزار سال است» (معارج: ۷۰) و همه عمر انسان مانند ساعتی از یک روز شمرده می‌شود؛ «روزی که آن چه وعده داده شده به چشم بیفتد، آن روز پندارند که جز ساعتی از روز درنگ نداشتند»؛ «گویی روزی که آن چه را به ایشان وعده داده شده بود بینند،

بیش از ساعتی از یک روز نمی‌گذرد» (احقاف/۳۴) و به همین دلیل انسان نیازمند وجودی خواهد بود که از هزاره‌های تاریخ گذر کند.

قرآن تاریخ را مانند مرجعی تحلیل می‌کند و دو راه‌کار ارائه می‌دهد:

یک راه‌کار، خلافت انسان؛ «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» و راه‌کار دیگر دخیل بودن اراده خداوند برای هدایت انسان و راه‌کار شهادت (گواهی) است؛ «بَدِينِ كُونَهُ مَا شِمَا رَا مَلْتِي مِيَانَهُ قَرَارَدَادِيم تَا كُوَاه بَر مَرْدَم بَاشِيد وَ يِيَامِير نِيَز كُوَاه شِمَا بَاشِيد». پس رسول خدا گواه امت مسلمان و امت مسلمان نیز گواه و شاهد جریان تمدن انسانی - جهت تحقق خواسته‌های الهی - هستند و قرآن مرجع گرفتاری‌های تاریخ را دو چیز می‌داند: ۱- الحاد و بی‌دینی به هر شکلی که بوده و هرطور که برای پیروان آن توجیه و ارزیابی شده باشد؛ ۲- دیگری شرک، که آن هم ایمان به خدایی وهمی است که از امور نسبی به امور مطلق تغییر می‌کند؛ «آگاه باشید که آن چه غیر از خدا می‌پرستید اسمای بی‌حقیقت و الفاظی بی‌معنی است که شما ویدرانتان ساخته‌اید و خدا هیچ‌گونه نشانه خدایی در آن خدایان باطل نهاده است» (یوسف/۴۰) و نقش پیامبران آن است که این دو مشکل را حل کنند.

خداوند تعالی می‌فرماید: «در هر امتی پیامبری گذاشتیم تا خدا را عبادت کرده و از طاغوت دوری کنند»، تا به این وسیله هر دو مشکل حل شود. اگر بخواهیم سرنوشت را طوری ارزیابی کنیم که تاریخ را در خود بگنجانند باید بر مبنای قرآن و الامرتبه رفتار کنیم.

بعد از این مقدمه، به مسائلی پرداخته می‌شود که امروزه زن مسلمان با آنها روبه‌روست و می‌توان آنها را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

چالش‌های اجتماعی خانواده

برای پی بردن به این نکته که در سطح جهانی برای کمرنگ کردن نقش زن در خانواده برنامه‌ریزی‌هایی صورت می‌گیرد نیازمند هیچ‌گونه دلیلی نخواهیم بود و این اتفاق در خلال شمار آزادی و پیشرفت و ضرورت تغییر تعریف خانواده و نقش اجتماعی زن صورت می‌گیرد. تغییر روابط زن و مرد در محیط خانواده به گونه‌ای رخ می‌دهد که در هر حالی آن را به عنوان مقیاسی مادی و عددی پیش رو قرار داده و به اعتبارات دیگر توجه نمی‌کنند و گویی برابری و مساوات ملاک تشخیص آنهاست و هیچ ارزش دیگری قابل ستیجش با آن نیست، حتی وقتی در بعضی نشست‌های بین‌المللی از طرف ما پیشنهاد داده می‌شد که این برابری را به عدالت و انصاف مقید کنند، آن را با اصرار تمام رد می‌کردند.

اما حقیقت قرآنی بر این نکات تأکید می‌کند:

نکته اول: ساختار خانواده نزد ادیان جوامع گوناگون - به مفهوم متداول آن - سنگ بنای ساختار اجتماعی است و ممکن نیست جامعه انسانی بدون سنگ بنای خانواده برپا گردد. سرنوشت بشری با آن آغاز شده و با آن ادامه می‌یابد و بر اساس آن قوانین اجتماعی شکل گرفته و بنای مستحکمی به وجود می‌آید که جامعه باید از آن حمایت کرده و آن را رشد دهد و مانع اشباع غریزی در خلال آن شود. «او همان کسی است که انسان را از آب آفرید و برایش خویشاوند و انساب قرار داد» (نقان: ۵۱)؛ «از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرام گیرید» (روم: ۲۱).

نکته دوم: زن سنگ بنای خانواده را تشکیل می‌دهد و بهشت زیر پای مادران است و باید نقش عاطفی خود را در تربیت دیگران ایفا نموده و خانه را به بهشتی از رحمت و آسایش و پاکدامنی برای همسر و فرزندان خود تبدیل کنند.

نکته سوم: بدیهی است مسئولیت‌ها بر مبنای عدالت انسانی بین افراد خانواده تقسیم می‌شود و مناسب با تصور و ارزش مذهبی هر عضو خانواده، نقش هر عضو تصور می‌شود و با نظریه کامل اجتماعی و اسلامی انسجام پیدا می‌کند. این مسئولیت در یک مرحله، اقتصادی و در یک مرحله، تربیتی و در مرحله سوم مربوط به رهبری خانواده می‌باشد. زن مسلمان باید همواره و در هر زمان ارزش‌های خانوادگی را پرورش داده و بر هر ارزش دیگری برتری دهد. تا زمینه رشد همیشگی خانواده فراهم شود.

چالش‌های فرهنگی خانواده

با نگاهی به تعریف جامع فرهنگ یعنی «تهدیب علمی اخلاقی و فکری» و با نگرش به طبیعت زن و قدرتی که در زمینه مسائل انسانی دارد و با این اعتبار که او یک انسان است باید پذیرفت که او می‌تواند بر اساس فطرت خود کامل باشد و فضای خانواده را از عاطفه و ایمان و پرهیزکاری لبریز نماید.

از طرف دیگر، زن می‌تواند جامعه را از مسیر اصلی خود خارج نموده و آن را به سوی فسق و انحراف و لجام‌گسیختگی بکشاند. دشمنان امت اسلامی می‌خواهند شخصیت زن را از او بگیرند و او را دستاویزی برای خواسته‌های شوم خود قرار دهند. زن مسلمان باید برای تکامل علمی، فرهنگی و اخلاقی خود تلاش نموده و بر سرنوشت اجتماع تأثیری مطلوب بگذارد و دنباله‌رو این کلام شریف باشد که: «از خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند همسر فرعون را مثال می‌زند زمانی که گفت خداوند برای من در کنار خود خانه‌ای در بهشت ساز و مرا از فرعون و کارهایش آسود کن» و این اتفاق با ذوب شدن در عشق الهی و رهایی یافتن از فرعون درون و لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی محقق خواهد شد.

به همین خاطر قرآن کریم در موارد متعدد بر برابری زن و مرد در مسیر تکامل تأکید کرده است: «من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را چه زن و چه مرد ضایع نمی‌کنم» (اع‌عمران: ۳۰)؛ «هرکس که کار نیکی انجام دهد، چه زن و چه مرد در حالی که مؤمن باشد به بهشت داخل می‌شود». «ای رسول! ما روزی را به یاد آر که زنان و مردان مومن شعله‌های نورشان پیش روی آنها باشد» (حدید: ۱۲)؛ «کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خداترس و خاشع و مردان و زنان خیرخواه و مسکین‌نواز و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند برای همه آنها مغفرت و پاداشی بزرگ است» (احزاب: ۳۵).

این همه تأکید و اصرار صرفاً جهت بیان حقیقت برابری زن و مرد در مسیر تکامل انسانی ونفی هرگونه تبعیض بین آن دو است.

چالش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

با وجود همه قدرت‌هایی که زن در طول تاریخ در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی از آن بهره جسته و با توجه به شواهد قرآنی که برای روشن ساختن آن بیان شد، زن هم‌چنان در سطح بین‌المللی محروم بوده و

نمی‌تواند از حقوق انسانی و اجتماعی خود استفاده کند و به خاطر شرایط و اوضاع خاص متأسفانه در سایه حکومت اسلامی نیز محروم مانده است.

از زمان حضرت آدم و حوا، زن نیز در کنار مرد، مسئول خلافت انسان بر روی زمین بوده و به خاطر بعضی میراث‌های تاریخی و استدلال‌هایی که به نظر اشتباه می‌باشد از تصمیم‌گیرهای سیاسی دور بوده است. اما امروزه زن می‌باید از حق طبیعی خود برای مشارکت در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه استفاده کند و این موضوع هیچ‌گونه منافاتی با وظایف اجتماعی او نداشته و جانب پاکدامنی و عفت او را نیز خدشه‌دار نمی‌کند.

امت اسلامی امروزه از نظر فرهنگی و اجتماعی دچار فقدان نیروی کارآمد زن می‌باشد که می‌تواند آینده روشنی را رقم بزند. زن مسلمان باید با چالش‌های گسترده سیاسی و اقتصادی روبه‌رو شده و با تمام نیرو و انرژی وارد معرکه گردیده و قبول مسئولیت نماید.

چه کسی زن اندیشمند مسلمان را از تصمیمات سیاسی باز می‌دارد و یا مانع او می‌شود که در ایجاد بازار اقتصادی بکوشد و تولید را پیش ببرد؟ در تاریخ اسلام زنانی بوده‌اند که تاریخ‌ساز شده‌اند و برای زنان مسلمان همین بس که توانستند فضای مناسب جهت ترویج رسالت پیامبر از مکه به مدینه ایجاد کنند و اگر آنها نبودند نهال اسلام یا نمی‌گرفت.

قرآن برای ما از بلقیس، ملکه سبا، و حکمت و اندیشه و تصمیمات حکیمانه او سخن می‌گوید. زن پیشرو تغییرات سیاسی در ایران نیز بوده است. بر زنان مسلمان لازم است در ساختن بنای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه شرکت کنند و در کنار مردان، سختی‌های ولایت و سرپرستی را به دوش بکشند تا خلافت انسان که هدف اصلی است محقق شود.

چالش بین‌المللی

امروزه باید ضرورت مسئولیت جهانی را درک کرد. قرآن از آغاز این حرکت بزرگ به قضیه مظلومین و مستضعفین پرداخته و حتی در زمانی هم که مسلمانان در سخت‌ترین وضع ممکن بودند رسالت در سطح جهانی انجام می‌شد و مسلمانان در تمام جهان درگیر این مسئله بودند؛ «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ * وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». خداوند انسان را خطاب قرار داده و او را مسئول حفظ کیان بشری در پهنه روزگار به شمار می‌آورد.

تشکیل مؤسسه‌های بین‌المللی رویداد جدیدی است که شاید به خاطر ضرورت‌های استعمارگرانه (و شاید هم به خاطر ضرورت عمرانی) برای بقای توازن موجود میان نیرو و خدمات طبق نظر جهانی و یا همان‌طور که در بیانیه جهانی حقوق بشر آمده، برای جلوگیری از انقلاب مردم محروم ایجاد شده است و هم‌چنان دیده می‌شود که دولت‌های بزرگ از محافل و سازمان‌های بین‌المللی برای مسلط کردن اراده خود بر ملت‌ها سوءاستفاده کرده و در مشروع جلوه دادن شعارهای پرزرق و برقشان از آنها کمک می‌گیرند.

اما مطلب مهم این است که آنها شروع به سوءاستفاده از موضوع زن و حقوق غصب شده وی نموده و از قدرت اقتصادی و نفوذ بین‌المللی خود نیز استفاده می‌کنند تا مفاهیم تحلیلی آن را در همه ملت‌ها و به‌ویژه کشورهای جهان سوم اصلاح نمایند. آنها از اخلاقیات زوال یافته آن سخنی به میان نمی‌آورند تا به

بسیاری از اهداف ضدانسانی خود مانند تغییر مفهوم خانواده و گسترش عرصه آن - برای آن چه آزادی جنسی نامیده می‌شود - و تعمیم حقوق جنسی برای جوانان، جامعه عمل بیوشانند و راه را برای آموزش‌های جنسی پوچ‌گرایانه و امثال آن بار کنند.

زن مسلمان در گذار از این تلاش‌های سازمان یافته به شکل سازمان‌های غیردولتی و بومی و محلی ویا حتی دولتی در این عرصه، ناچار است در برابر این جنبش نابودکننده و سوءاستفاده از جنبه‌های مثبت آن مبارزه کرده و از حقوق خود دفاع کند. همچنین منزلت و شأن خود را به همه شناسانده و فضایی مناسب برای فعالیت‌های خود در جهت ساختن سرنوشت تمدن ایجاد نماید.

کوشش‌های بین‌المللی در عرصه توسعه اجتماعی

تردیدی نیست که روند توسعه، به‌ویژه در سال‌های اخیر به میزان زیادی تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان ملل متحد قرار داشته و در این باره کنفرانس‌های بین‌المللی چندی در سطوح مختلف برگزار شده است، از جمله: کنفرانس بخارست در سال ۱۹۷۴م، کنفرانس مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۴م، کنفرانس قاهره در سال ۱۹۹۴م، کنفرانس کپنهاگ در سال ۱۹۹۵ م و کنفرانس‌های بین‌المللی دیگر که به منظور بررسی حقوق زن، برگزار گردیده است، مانند کنفرانس نایروبی و یکن؛ در تمامی این نشست‌ها و گروه‌های بین‌المللی تأکید بر نقش خانواده در روند توسعه کاملاً مشهود بوده است.

ولی با نگاهی به اسناد پیشنهادی و یا قطع‌نامه‌های پایانی آنها، ملاحظه می‌شود که این اسناد نظوری تنظیم و تدوین شده است که از روند متعادل دور بوده و نقش دین در زندگی و تأثیر عناصر معنوی در این عرصه را نادیده گرفته و حتی فرصت سوءاستفاده از زن را به عنوان کالا یا بازیچه برای سوق دادن جامعه به لابی‌گری و از هم گسستن روابط خانوادگی و هموار کردن زمینه سقط جنین، فراهم آورده است.

سند پیشنهادی قاهره به کنفرانس جمعیت و توسعه، به شکلی بود که دلسوزان، آشکارا توطئه استعماری علیه ارزش‌ها و مقدسات بشریت را در آن منعکس دیدند، زیرا سعی در از هم پاشاندن خانواده و طرح مفاهیم متنوعی از آن و هموار ساختن راه برقراری روابط و پیوندهای خارج از چارچوب ازواج و خانواده داشت. بنده خود در رأس هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس حضور داشتم و به رغم عدم هماهنگی‌های قبلی میان مواضع کشورهای اسلامی - که شمار اندکی از آنها، حضور در کنفرانس را تحریم کرده بودند - و نیز فشارهای غربی علیه اسلام، موفق شدیم مجموعه اسلامی نیرومندی را تشکیل دهیم که با مجموعه دینی مسیحی همکاری خوبی داشته و در ده‌ها اصطلاح و موضع این سند از جمله: اصطلاح «حق جنسی» و «روابط خارج از چارچوب ازواج» و جنبه الزامی سند و نیز سند مربوط به سقط جنین و جز آن، تغییر ایجاد نماییم. بنده در نشست بین‌المللی مربوطه، طی سخنانی بر حقایق زیر تأکید نمودم:

۱- اگر درصدد سازمان‌دهی و کنترل حرکت‌های جمعیتی در چارچوب توسعه مطلوب هستیم باید پیش از هر چیز به همه ابعاد مادی و معنوی انسان توجه نماییم. تا برنامه‌ریزی‌های ما هم‌سو و هماهنگ با فطرت انسان و موقعیت وی در جهان هستی باشد. در این راستا، معتقدیم این مشکل اجتماعی نه در عدم پاسخ‌گویی امکانات و منابع طبیعی به نرخ رشد جمعیت بلکه برخاسته از عدم بهره‌برداری بهینه و دتبت از

این امکانات و انواع ستم‌هایی است که در توزیع آنها صورت می‌گیرد؛ قرآن کریم پس از یادآوری نعمت‌های فراوان الهی، می‌فرماید: «وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»؛ و هر چه از او خواسته‌اید به شما ارزانی داشته و اگر بخواهید نعمت‌هایش را شماره کنید، نتوانید، که آدمی ستمکار و کافر نعمت است» (ابراهیم/۳۱).

۲- واقعیت انسانی در طول تاریخ و نیز آن‌چه که شریعت‌های آسمانی در دیدگاه‌های اجتماعی خود مقرر می‌دارند، بر این نکته تأکید می‌کنند که کیان خانواده، سنگ بنای جامعه را تشکیل می‌دهد و هر حرکتی که استحکام آن را خدشه‌دار سازد یا جای‌گزینی برای آن در نظر گیرد، ضربه‌ای به حرکت اصل انسانیت وارد آورده است. البته این امر، به معنای نفی تنظیم خانواده به شیوه‌های مشروع - که خود بخشی از اقدامات توجیهی و تقویتی آن است - نمی‌باشد.

۳- زن به مثابه نیمی از پیکره جامعه انسانی، نقش اساسی در شکل‌دهی به بنای اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند و حتماً باید این نقش را با اطمینان کامل و بدون هرگونه خدشه به کرامت یا تحقیر استعداد‌های انسانی‌اش، ایفا نماید.

۴- در هر برنامه واقع‌بینانه‌ای برای برقراری توسعه پایدار، نباید از نقش ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی در تحکیم و تقویت پایه‌های توسعه و برآوردن متعادل نیازهای انسان به عنوان محور این آبادانی و توسعه، غافل شد، بلکه باید بر آنها تأکید شود و در جهت تقویت آنها و نفی هر آن‌چه در برابر آنها قرار می‌گیرد، عمل گردد.

۵- اصل تساوی در امکان بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی که خود هدیه ای از سوی خداوند متعال است، ما را بدان فرا می‌خواند تا در راستای تحقق نزدیکی هرچه بیشتر سطح زندگی‌های مختلف در سرتاسر جهان تلاش کنیم؛ هدف بزرگی که تحقق آن، بار سنگینی بر دوش کشورهای ثروت‌مند می‌گذارد و اگر در پی تحقق نوعی ادغام انسانی مطلوب هستند، نمی‌توانند از زیر آن شانه خالی کنند.

۶- حقوق بشر آن‌چنان‌که در اعلامیه جهانی و دیگر اعلامیه‌ها از جمله اعلامیه اسلامی حقوق بشر مطرح شده است باید به طور دقیق مراعات گردد. طبیعی است تأکید شود که هیچ کشور یا مجموعه کشورهایی حق ندارند برداشت خود را از آن بر کشورهای دیگر تحمیل کنند یا بر عناصر فرهنگی و دینی دیگران به بهانه برداشتی که خود دارند، خدشه وارد نمایند.

در این میان باید به تعریف مشترک و قابل قبولی دست یافت که بتوان از طریق آن حقیقت را بی‌هیچ تحمیلی، تشخیص داد و اسناد مورد نظر [و اعلامیه‌ها و ...] آن چنان دقیق و آگاهانه و با دوراندیشی تدوین نمود که امکان سوء استفاده از آنها به سادگی، میسر نباشد.

چهارمین کنفرانس جمعیت و توسعه در یکن به رغم هدف‌های اعلان شده خود مبنی بر توجه به زن و سهم ساختن وی در روند توسعه با طرح شعار: «برابری، توسعه و صلح»، رسالت ویران‌گرانه کنفرانس قاهره را تکمیل کرد و از آن بالاتر، همه اصلاحات مطرح شده را نادیده گرفته و بار دیگر بر مسئله «حقوق جنسی» تأکید نمود. این کنفرانس در حقیقت حرکتی در راستای از هم گسیختن پیوندهای خانوادگی و حذف عنصر اصلی روند توسعه بود.

جنبه‌های مثبت:

- ضرورت توجه به زنان و لزوم سلامت بارداری مسئله‌ای بسیار مهم است، زیرا سالانه:
 - ۵۸۵ هزار زن بر اثر عوارض حاملگی می‌میرند؛
 - سیصد هزار زن به علت عدم استفاده درست از قرص‌های ضد بارداری تلف می‌شوند؛
 - ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون زن به این نوع قرص‌ها دسترسی ندارند؛
 - ۷۵ میلیون زن، به طور ناخواسته باردار می‌شوند؛
 - از ۱۷۵ میلیون زن باردار، ۴۵ میلیون نفر سقط جنین می‌کنند؛
 - هفتاد هزار زن از سقط جنین غیرقانونی و شمار نامعلومی نیز از عوارض آن رنج می‌برند؛
 - یک میلیون زن بر اثر التهاب مجاری تناسلی، فوت می‌شوند؛
 - ۳۳۳ میلیون مورد بیمار مبتلا به بیماری‌های واگیردار جنسی وجود دارد و در بسیاری از کشورها حدود ۶۰٪ از زنان حامل بیماری‌های جنسی واگیردار هستند که آمادگی ابتلا به بیماری‌های مختلف را دارند.
- در سال ۱۹۹۶ م. سه میلیون نفر به ویروس ایدز مبتلا شدند و شمار بیماران ایدزی به چهل میلیون نفر رسید؛

- تعداد شصت میلیون دختر در آمارگیری‌ها به دلیل ترجیح پسر بر دختر، نادیده انگاشته شده‌اند؛

- همه ساله دو میلیون دختر وارد بازار خودفروشی می‌شوند.

- ششصد میلیون زن، از بی‌سوادی رنج می‌برند، در حالی که آمار بی‌سوادان مرد ۳۲۰ میلیون نفر است. آمارهای دیگری نیز وجود دارد (مجله بهداشت، ش ۱۴) که توجه ویژه به این موضوع را می‌طلبد. واقعیت آن است که تأمین این جنبه، به معنای رعایت حق زندگی است که اسلام توصیه و تأکید زیادی در مورد آن دارد. از این روست که بند چهارم از سند قاهره را کاملاً درست و سازنده می‌دانیم. در این بند آمده است: «تحکیم برابری و عدالت جنسی و اقتدار زنان و حذف انواع خشونت در حق آنان و برخورداری ایشان از حق تنظیم بارداری خود، از بنیادهای اساسی برای کنترل جمعیت و توسعه است.»

جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش کرده جنبه‌های مثبت این سند را اجرا نماید. ضمن آن که بیش از آن نیز برنامه‌هایی برای میدان دادن به زنان برای کسب حقوق طبیعی خود و مشارکت فعال آنان در روند سازندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره، در نظر گرفته بود.

نمونه‌هایی از برنامه‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بهبود شرایط خانواده و بهداشت زنان و کودکان از این قرار است:

- ۱- توجه به امر زایمان و اجرای برنامه‌های متنوع بهداشتی درباره آن که به کاهش نرخ مرگومیر سالانه از ۹۰ در هزار در سال ۱۹۷۸ م. به ۲۸ در هزار منجر گردیده است؛
- ۲- اجرای برنامه‌های اجتماعی داوطلبانه کنترل موالید برای کاهش نرخ رشد جمعیت از ۳/۳ درصد به ۱/۴ درصد طی یک فاصله بیست ساله؛
- ۳- وارد کردن برنامه تنظیم خانواده در نظام مراقبت‌های بهداشتی کشور؛
- ۴- تشویق مردم به سوادآموزی و تحصیل و رسیدن به رقم ۷۰٪ باسوادی در میان زنان بالای پانزده

سال.

اجرای این برنامه‌ها، باعث اختصاص جایزه کنترل جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸م. به جمهوری اسلامی گردید. (پیشین، ش ۱۲).

علاوه بر این، برنامه‌هایی برای حضور هرچه جدی‌تر زنان در عرصه‌های مختلف رسانه‌ای، سیاسی، اجتماعی، پارلمانی و مدنی و جز آن در نظر گرفته شده است.

نقش سازمان‌های مردمی در تحقق هدف‌های بین‌المللی

بشریت گام‌های گسترده و بزرگی در راه ایجاد نهادهای جامع بین‌المللی در جهت حل مشکلات و تحقق تفاهم میان اعضای خود برداشته و برای اجرای برنامه‌های جهانی دارای پیامدهای سازنده و سراسری تلاش نموده است.

سازمان ملل متحد به عنوان گسترده‌ترین سازمان بین‌المللی در عرصه‌های متفاوت فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، تجاری و غیره، در همین راستا تأسیس شده است.

جنبش عدم تعهد در گستره‌ای محدودتر و نیز سازمان کنفرانس اسلامی در چارچوب جهان اسلام نیز با همین هدف، شکل گرفته است.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بزرگ دیگری نیز هستند که تأثیر بسزایی در جریان این روند داشته‌اند. ولی به هر حال، بیشتر سازمان‌های بین‌المللی همچنان گرفتار مشکلات بزرگی هستند که مانع از تحقق اهداف انسانی آنها می‌گردد. در ذیل، به برخی از این مشکلات اشاره می‌شود.

۱- تصمیمات این سازمان‌ها، در بهترین حالت در خدمت منافع و گرایش‌های دولت‌هاست و هیچ ضمانتی برای تحقق هدف‌های توده‌های مردم، وجود ندارد. در واقع آنها، اگر نگوئیم منافع تنها قدرت مسلط بر جهان، دست‌کم منافع قدرت‌های مسلط بر خود را تحقق می‌بخشند؛

۲- مواضع این سازمان‌ها معمولاً تحت تأثیر جریان‌های ضد بشری از جمله صهیونیسم و گرایش‌های مادی و الحادی و ... قرار دارد و این روند، به حرکت بشریت زیان می‌رساند؛

۳- این سازمان‌ها، بی‌آن‌که شعارهای مطرح شده‌شان پشتوانه واقعی داشته باشد، اقدام به ایجاد نیازهای کاذب برای توده‌های مردم می‌کنند؛ قطع‌نامه‌های مربوط به حقوق بشر، مبارزه با نژادپرستی و دفاع از حقوق زن و سامان‌بخشی به روند توسعه اجتماعی و جز آن، در این مقوله قرار می‌گیرد. این در حالی است که مشاهده می‌شود در این عرصه، بنا به منافع تنگ‌نظرانه، معیارهای دوگانه‌ای مطرح می‌شود و تصمیمات حقیقی و آنچه که واقعاً باید دنبال شود، در صورتی که با منافع قدرت‌های بزرگ، هم‌خوانی نداشته باشد، به صورت نوشته ای روی کاغذ باقی می‌ماند.

از این رو به نظر ما عرصه گسترده‌ای برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در نشست‌های بین‌المللی و ایراد فشار بر طرف‌های رسمی برای اتخاذ تصمیمات هماهنگ‌تر با هدف‌های مطلوب، وجود دارد.

مشارکت این سازمان‌ها، می‌تواند پیامدهای متعدد و مثبتی هم‌چون موارد زیر داشته باشد:

۱- از آن‌جا که سازمان‌های مردمی آشنایی بیشتر و نزدیک‌تری با مشکلات اجتماعی مردم دارند، درک بسیار مطلوب‌تری نیز نسبت به راه‌حل‌های مردمی دارند و در نتیجه می‌توانند تصمیمات اتخاذ شده را به این اهداف نزدیک‌تر سازند و آنها را به تمامی اقشار و طبقات جامعه مدنی برسانند؛

نتیجه گیری:

طبق آنچه بیان شد، حقایق زیر نتیجه گیری می شود:

- ۱- روند توسعه اجتماعی، روندی انسانی است که به مرزهای جنسی، جغرافیایی یا مادی محدود نمی شود و در دیدگاه اسلامی زن عنصر اساسی این حرکت به شمار می رود و بدون حضور او، این روند ناقص و غیر مؤثر خواهد بود؛
 - ۲- جهان خیلی دیر به این حقیقت پی برد، حال آن که اسلام بیش از ده قرن پیش و هنگامی که زن را هم تراز مرد در روند «ولایت اجتماعی» قرار داد و همه گونه حق مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی را به وی بخشید، به چنین باوری رسیده بود؛
 - ۳- دولت ها، مقام ها و نهادهای رسمی نقش بزرگی در تحقق چنین مشارکتی دارند ولی این امر زمانی به نتایج مطلوب خواهد رسید که سازمان های مردمی، جایگاه خود را در سوق دادن این روند به پیش و تأثیرگذاری مثبت بر آن به دست آورند؛
 - ۴- سازمان کنفرانس اسلامی در همگامی با نگاه اسلام به زن، وظیفه خود را انجام نداده و نقش اساسی و مطلوب را به وی بخشیده و مناسفانه نسبت به طبیعت پیشگامانه اسلام، عقب مانده است و اکنون باید در تحقق این هماهنگی، عقب ماندگی های خود را سریعاً جبران کند.
- حقیقت آن است که تصمیمات نهمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، سابقه بسیار خوبی در این زمینه بر جای گذاشت، هرچند این سازمان در همگامی با پیشرفت های مطرح بین المللی در این عرصه عقب مانده است.
- نباید فراموش نمود چالش هایی که در آغاز قرن بیست و یکم در ابعاد سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، با آنها روبه رو هستیم از جمله: چالش های جهانی شدن، سلطه فرهنگی، دهکده کوچک اطلاعاتی و شعارهای

- ۲- از آن جا که این سازمان ها در تحلیل های خود آزاد و فارغ از قید و بندهای رسمی هستند، می توانند به راه حل های واقعی رسیده و آنها را با قدرت، در محافل بین المللی مطرح سازند؛
- ۳- حضور این سازمان ها، بیان گر پیگیری های گسترده مردمی و تا حدودی تشکیل دهنده افکار عمومی بین المللی است. از مقامات رسمی جز پاسخ مشت به خواست های آنها، کار دیگری ساخته نیست و همین امر آنها را به برداشتن گام های واقع بینانه تری در راه تحقق عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و احترام به محیط زیست تشویق می نماید؛
- ۴- این سازمان ها در تنظیم رابطه میان توسعه و دولت، مشارکت می کنند، زیرا ضمن وحدت بخشیدن به تمامی نیروها، فعالیت های بهداشتی، رفاهی، حرفه ای، خیریه و... را سر و سامان می بخشند. (العولمه و الدوله (جهانی شدن و دولت)، نسان منیر و اکرم احمد. صفحه ۱۹۶)؛
- ۵- این سازمان ها محیط مناسبی را برای فعالیت های انسانی غیر انتفاعی و داوطلبانه وبا هزینه های اندک به وجود می آورند؛
- ۶- این سازمان ها در همسویی و همکاری با سازمان های مشابه خود در کشورهای مختلف، جریانی جهانی را تشکیل می دهند که قادر به طرح مسایل مختلف انسانی - جهانی است.

برزرق و برقی که دشمنان روابط سالم انسانی در پس آن پنهان می‌شوند و در صدد دگرگون ساختن حتی قوانین عادی ما برای رسیدن به منویات خویش هستند. همه و همه، چالش‌هایی است که همواره باید مدنظر ما باشد. و برای مقابله با آنها در همه زمینه‌ها دست به خلاقیت و ابتکار بزنیم.

برای مثال، در عرصه ورزش، باید ضمن رعایت عفت و اخلاق والای اسلامی، شیوه‌های سالمی به عنوان جای‌گزین شیوه‌های شناخته شده و جهانی کنونی - که با تمامی ارزش‌ها، سنت‌ها و عرف‌های ما منافات دارد - ابداع نمود.

این تنها یک مثال برای اشاره به ضرورت تغییر و پیشرفت در همه عرصه‌هاست. در عرصه سیاسی نیز نباید نقش فعال زن در شکل‌دهی به تصمیمات سیاسی را فراموش نمود. امروزه شاهد آنیم که برخی گروه‌های متحجر بر اساس اجتهادهای قشری و بیگانه با روح اسلام و نیز روایات و احادیث ثابت نشده، زن را به دور از آموزش و پرورش - چه رسد به مشارکت در زندگی اقتصادی - زندانی خانه ساخته‌اند. این کار علاوه بر خدشه‌دار ساختن چهره اسلام، مانع از حرکت امت در رویارویی با چالش‌های اشاره شده است.

نیاز مبرم ما نه تدوین استراتژی فرهنگی در عرصه‌های مختلف، یا موافقت با اعلامیه رسمی حقوق بشر از دیدگاه اسلامی و نه حتی تدوین استراتژی تبلیغاتی یا اجتماعی برای جهان اسلام - که اینها همه سرانجام و پس از بحث‌های فراوان، تدوین شده و تقریباً در ذهن هر کس که شناختی از گرایش‌های اسلام دارد، روشن است - بلکه فعالیت منظم و به هم پیوسته و جامع - در سطح جهان اسلام - در عمل به استراتژی‌هایی است که در کنفرانس بین‌المللی اسلامی از جمله ششمین کنفرانس سران اسلامی در داکا (سنگال) یا هجدهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در قاهره و جز آن، تصویب شده است. جای تأسف است که اعلام شود جهان اسلام در سطح سازمان کنفرانس اسلامی و به رغم وجود شیوه‌های مختلف اجرایی در این‌جا و آن‌جا، در مورد راه حل عملی مشترکی برای اجرا، به توافق نرسیده است.

امت اسلامی دارای ویژگی‌های مشخصی است که هویت آن را تعیین و نشان‌های قرآنی آن را ترسیم می‌کند، مانند: ویژگی الهی، و انتساب به خداوند متعال در اعتقادات و احکام و قوانین و نیز ویژگی‌های اخلاقی - انسانی منبسط در نظام اخلاقی اسلام و رهایی از هرگونه فساد و صحنه‌های غیراخلاقی که غرایز جنسی در آن نقش ایفا می‌کند و چهره واقعی آن را خدشه‌دار می‌سازد. چنین امتی تنها زمانی می‌تواند به انتساب خود به اسلام، افتخار نماید که این تصویر والای اسلامی را تحقق بخشد و روابط خود را بر اساس معیارهای اسلامی بنا نهد و توده‌های خود را با آگاهی‌های مطلوبی که به آنها می‌دهد، مصونیت بخشد و حتی در میان افراد آن - که نسبت بالایی از آنها را زنان تشکیل می‌دهند - انگیزه‌های زیادی برای رویارویی با چالش‌های یاد شده، به وجود آورد. خیزش اسلامی تنها گزینه ماست، وگرنه چالش‌ها ما را فرا خواهند گرفت و همه ویژگی‌های ما را از بین خواهند برد.

در این‌جا است که رسالت علما - زن و مرد - برای ایفای نقش وارثان انبیا روشن می‌گردد.

در پایان، تأکید می‌شود که ما ناگزیریم بپذیریم که اولاً زن مسلمان امروز در بعد واقعی و عملی، فاقد نقش شایسته در روند توسعه اجتماعی است. ما به یک برنامه همه جانبه توسعه‌ای نیاز داریم که مبتنی بر پایه‌های زیر باشد:

- ۱- گسترش آگاهی مسلمانان (زن و مرد) نسبت به حقوق زن و نقش ضروری وی در روند توسعه؛
- ۲- برقراری مساوات میان زن و مرد در فرصت‌های توسعه‌ای، از جمله فرصت کار، برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت سرمایه و ثروت و تحقق مشارکت سیاسی، اداری، فرهنگی و غیره؛
- ۳- تأکید بر حرکت آموزشی و ارتقای آن در مورد بانوان؛
- ۴- تأسیس سازمان‌های غیردولتی زنان و پشتیبانی جدی از آنها؛
- ۵- حل ریشه‌ای مشکل مهاجرت‌های داخلی و خارجی و توجه به پیامدهای آن، زیرا بیشتر مهاجرت‌ها که به دلیل عوامل گوناگون انجام می‌شود مربوط به زنان است؛
- ۶- ایجاد راه‌های مؤثر برای حل مشکلات اجتماعی زنان و کوشش در تغییر دیدگاه جامعه نسبت به زنان شاغل؛
- ۷- کوشش در جهت تقویت جسمی زنان و نجات آنها از ضعف و بیماری و تشویق تربیت بدنی و ورزش‌های مناسب به دور از هر گونه سوءاستفاده و بی‌بندوباری.

منابع و ماخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن الاثیر، اسدالغابه، ج ۲.
- ۴- حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، ج ۲.
- ۵- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲ و ۶.
- ۶- شیخ صدوق، محمد، امالی، ج ۱.
- ۷- کلینی، جعفر، اصول کافی، ج ۱.
- ۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳.
- ۹- مجله بهداشت خانواده، سال چهارم، شماره ۱۴.
- ۱۰- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۷.

